

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# متون حقوقی

(مخصوص آزمون کارشناسی ارشد حقوق)

شامل:

- متن و ترجمه
- لغات مهم و کاربردی
- مجموعه آزمون‌های کارشناسی ارشد (۹۰ الی ۹۷)

مؤلف:

فیروزه امینیان

(مترجم و پژوهشگر حقوقی)



**سرشناسه:** امینیان، فیروزه

**عنوان:** متون حقوقی (مخصوص آزمون کارشناسی ارشد)

**مشخصه نشر:** تهران، انتشارات آسنا، ۱۳۹۸

**نشر همکار:** انتشارات عدلیه

**مشخصات ظاهری:** صفحات ۲۶۲

**موضوع:** متون حقوقی - آزمون کارشناسی ارشد - مجموعه حقوق

**موضوع:** حقوق خصوصی - حقوق عمومی - حقوق بین الملل - حقوق جزا و جرمشناسی

**موضوع:** حقوق قراردادها - ایجاب - قبول - فسخ - ابطال - عوض - اشتباه - تدلیس

**موضوع:** عنصر معنوی - عنصر مادی - جرایم علیه اموال - جرایم علیه مالکیت - جرایم علیه اشخاص

**موضوع:** حقوق معاهدات - حقوق دریاهای

- نام کتاب: متون حقوقی (مخصوص آزمون کارشناسی ارشد حقوق)
- مؤلف: فیروزه امینیان
- ناشر: انتشارات آسنا
- نشر همکار: عدلیه
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸
- شمارگان: ۲۵۰ نسخه
- قیمت: ۱۰۰ هزار تومان

### آدرس دفتر مرکزی:

انقلاب، خیابان جمالزاده جنوبی - پلاک ۹۶ - طبقه ۲ - واحد ۴

**تلفن:** ۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲      ۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

**Email:** [estacademic@gmail.com](mailto:estacademic@gmail.com)

**http://**[www.asenapub.ir](http://www.asenapub.ir)

**تقدیم به:**

**خانواده عزیزم**

**و**

**همه کسانی که دوستشان دارم**

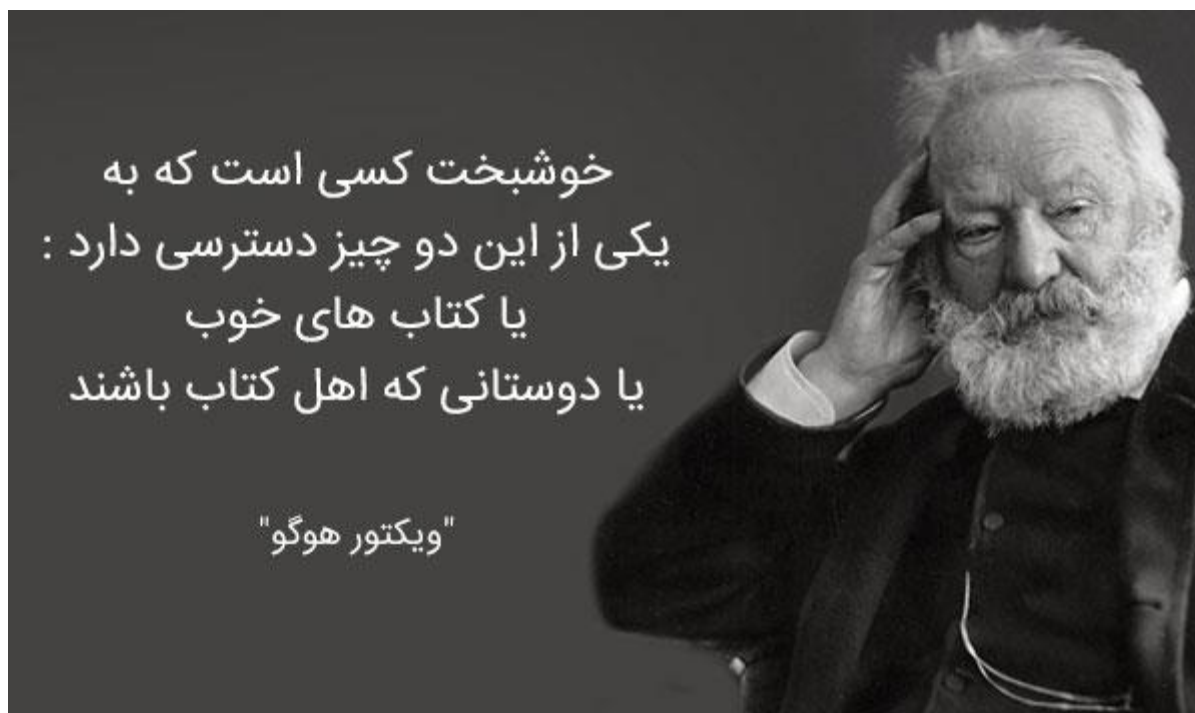


مجموعه کتابهایی که تا این لحظه در خصوص آزمون کارشناسی ارشد حقوق چاپ شده است:

۱. کتاب جامع و کاربردی متون فقه
۲. کتاب جامع و کاربردی حقوق جزای عمومی
۳. کتاب جامع و کاربردی حقوق تجارت
۴. کتاب جامع و کاربردی حقوق بین الملل عمومی
۵. کتاب جامع و کاربردی حقوق تعهدات
۶. کتاب جامع و کاربردی حقوق اساسی
۷. کتاب جامع و کاربردی حقوق اداری

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان اصلی
۷	مقدمه
۹	بخش اول: متون حقوق خصوصی
۴۹	بخش دوم: متون حقوق عمومی
۷۷	بخش سوم: متون حقوق جزا
۱۱۳	بخش چهارم: متون حقوق بین الملل
۱۴۱	بخش پنجم: متون حقوق تجارت بین الملل
۱۷۷	بخش ششم: مجموعه آزمون‌های کارشناسی ارشد حقوق
۱۷۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۰
۱۸۳	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۱
۱۸۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۲
۱۹۳	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۳
۱۹۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۴
۲۰۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۵
۲۱۹	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۶
۲۳۶	آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۷
۲۵۲	آزمونهای متفرقه



**fortunate**, there is someone who has access to one  
of these two things:  
or good books  
or friends who are from the book  
{ Victor Hugo }

## مقدمه

متون حقوقی تقریباً در بیشتر شاخه های آزمون کارشناسی ارشد حقوق به عنوان درس تخصصی و اصلی آزمون محسوب شده و ضریب آن از ۱ الی ۳ متغیر می باشد. به دلیل اینکه متون حقوقی از سرفصل های اصلی کارشناسی ارشد حقوق می باشد؛ معمولاً موفقیت در آن تاثیر به سزایی در نمره کل و تبعاً در رتبه داوطلب خواهد داشت. نکته جالب این است که همواره متون حقوقی پاشنه آشیل داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد و به عبارت دیگر ضعف اصلی داوطلبان شاخه حقوق می باشد و دلیل این امر این است که خیلی از داوطلبان علاقه ای به متون حقوقی نداشته و جای آن را در پاسخنامه آزمون خالی می گذارند. این ضعف آزمون داوطلبان در حقیقت بهترین کمک به داوطلبانی خواهد بود که وقت شناس بوده و می خواهند کمی در این سرفصل سرمایه گذاری کنند.

لازم به ذکر است که در کنار بحث فوق، یادگیری متون حقوقی مشکلاتی را نیز به همراه دارد که خواسته یا ناخواسته داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد با آن رو به رو هستند. مشکل اول در این خصوص، ضعف داوطلبان در دایره لغات متون حقوقی می باشد و مشکل دوم در نحوه ترجمه متون تخصصی است که در جهت حل این دو مشکل بهترین راه حل مواجهه با سوالات آزمون سنوات گذشته و تسلط بر کلیدی ترین نکات و مطالب تخصصی متون حقوقی در بخش آزمون می باشد.

با ذکر نکات فوق و با توجه به تغییرات و چرخش طراحان سوالات کارشناسی ارشد و متمرکز شدن آزمون برای دانشگاه های آزاد و سراسری کتابی که برای داوطلبان محترم در نظر گرفته شده عبارت است از **کتاب جامع متون حقوقی**؛ با مطالعه این کتاب، داوطلب بر مشکلات آزمون متون حقوقی فائق آمده و می تواند با مطالعه متون کاربردی همراه با آزمون های آماده سازی، رتبه خوبی را در آزمون کارشناسی ارشد کسب نماید. در کتاب پیش رو سعی کرده ایم از هر کدام از بخش های حقوق جزا، خصوصی، عمومی و بین الملل و تجارت بین الملل متن تخصصی (به همراه لغت آورده) و نگاهی دقیق به سوالات آزمونهای کارشناسی ارشد نیز داشته باشیم. ضمناً سعی شده است اگر مطلبی از کتب رفرنس ضرورت زیادی نداشته اما جهت یادگیری مسائل آزمون راه گشا باشد در پاورقی کتاب آورده شود.

در پایان لازم به ذکر است که هر چند در تالیف این کتاب عالی ترین حد دقت به کار گرفته شده که کتاب به عنوان رفرنس اصلی در مطالعه داوطلبان کارشناسی ارشد حقوق گیرد یک خواسته هم داریم مبنی بر اینکه اگر احیاناً اشتباهی و یا لغزشی در ارائه صحیح مطالب کتاب صورت گرفته (کما اینکه بدون نقص تنها ایزد باری تعالی است) در هنگام مطالعه علامت زده و به اطلاع نویسندگان از طریق ایمیل زیر برسانید. مسلماً کمک شما است که کتاب را غنی تر و پخته تر می کند.<sup>۱</sup>

**یکهزار و سیصد و نود و هشت**

**فیروزه امینیان**

<sup>1</sup> - Email: estacademic@gmail.com





## بخش اول

# متون حقوق خصوصی

## A contract

A **contract** may be defined as an **agreement** which is either **enforced** by law or recognized by laws affecting the legal rights or duties of the parties. The law of contract is, therefore, primarily concerned with three questions: is there an agreement? Is it one which should be **legally** recognized or enforced? And just how is the agreement enforced, or, in other words, what remedies are available to the injured party when a contract has been broken?

### قرارداد

قرارداد ممکن است به عنوان توافقی تعریف شود که یا بوسیله قانون تنفیذ می گردد و یا بوسیله مقررات حاکم بر حقوق و تکالیف قانونی طرفین، به رسمیت شناخته می شود. بنابراین حقوق قرارداد مقدماً با سه پرسش مطرح می شود: آیا توافقی وجود دارد؟ آیا توافق مذکور از انواعی است که بطور قانونی باید به رسمیت شناخته و اجرا شود؟ و اگر چنین است به چه نحو اجرا می گردد و به دیگر سخن، در صورت نقض<sup>۱</sup> قرارداد چه راههای جبران خسارتی در دسترس زیان دیده می باشند.

### قرارداد Contract

### توافق agreement

### تنفیذ enforce

### قانونی legally

### جبران خسارت remedy

### در دسترس زیان دیده injured party

In this article our concern will be with the general rules, and to some extent with the modified form in which they apply to particular transactions. Rules peculiar to particular transactions will not in general be discussed, nor will any attempt be made to give any systematic account of the rules governing any one or more particular or special contracts. At the same time, it is necessary to warn the reader that the general "law of contract" is something of an abstraction, since most contracts obviously concern some particular class of transaction; and since there is always some degree of danger in assuming that a "general" rule applies (at least without modification) to a contract of the particular type under consideration.

در این موارد ما با قواعد کلی و تا حدودی با شکل اصلاح شده قواعدی که نسبت به معاملات خاصی اعمال می گردند، ارتباط خواهیم داشت. بطور کلی قواعدی که ویژه ی معاملات خاصی هستند بررسی نشده و هیچ تلاشی جهت ارائه شمار منظمی از قواعدی که بر یک یا چند قرارداد خاص حکومت دارند، صورت نخواهد پذیرفت. در عین حال، لازم است به اطلاع<sup>۲</sup> خواننده برسد که «حقوق کلی قرارداد» امری انتزاعی<sup>۳</sup> است، چرا که اغلب قراردادها، آشکارا مربوط به طبقه خاصی از معاملات می شوند. و نیز بدین علت که همواره تصور اعمال یک قاعده «کلی» نسبت به قراردادی (دست کم در صورتیکه قاعده ی مذکور اصلاح نشده باشد) از نوع خاص، که تحت بررسی است، حاوی مقداری خطر خواهد بود.

### اصلاح شده Modified

### معاملات transaction

### قواعد rule

1- broken

2- warn

3- abstraction

## Agreement

In the normal case, a contract results from an agreement between the parties to it: and much of the law of contract is concerned with the process of reaching agreement, and with the contents of the agreement when reached. Nevertheless, the description of a contract as an agreement is subject to a number of important qualifications.

### توافق

به طور معمول، قرارداد ناشی از توافقی فی مابین طرفین آن است. و بیشتر حقوق قرارداد مربوط به فرایند رسیدن به توافق و محتوی توافق در صورت حصول می باشد. با اینحال توصیف قرارداد تحت عنوان یک توافق، مشروط به شرایط مهم چندی است.

The first of these is that the law, generally speaking, applies an objective test of agreement. If one party, A, so conducts himself as to induce the other, B, reasonably to believe that A is assenting to certain terms proposed by B, then A will generally be held so to have assented, whatever his actual state of mind may have been. The law adopts this attitude in the interests of convenience: a person to whom a contractual proposal is made might be seriously prejudiced if he could not take it at its face value. The principle is, however, one of convenience only, so that it will not be applied where, on balance, the inconvenience to A of applying the objective test exceeds the inconvenience to B of allowing A to rely on his actual intention.

نخستین شرط از این شرایط آن است که قانون به طور کلی یک معیار عینی برای توافق بکار می برد. اگر یک طرف قرار داد، آقای الف، چنان رفتاری از خود نشان دهد که موجب شود<sup>۱</sup> طرف دیگر قرارداد، آقای ب، بطور معقولی تصور نماید که الف بر شرایط معینی که از طرف او پیشنهاد شده است رضایت دارد، در این صورت صرف نظر از اینکه حالت ذهنی واقعی الف ممکن است چه بوده باشد، مقرر خواهد شد که او رضایت داشته است. قانون این معیار را به دلیل سهولت آن می پذیرد: شخصی که به او یک پیشنهاد قراردادی شده است، ممکن است اگر نتواند ارزش واقعی آن پیشنهاد را برداشت کند به طور شدیدی لطمه<sup>۲</sup> ببیند. به هر حال این اصل، اصل سهلی است بطوریکه اگر مصائب وارد بر الف بیشتر از صعوبت وارد بر ب- در اثر اجازه به الف جهت اتکا به قصد واقعی خویش شود قابل اعمال نخواهد بود.

### Description توصیف

#### Attitude معیار

The second qualification is that, even where agreement determines the existence of a contract, it does not necessarily determine all the contents or scope of a contract. These matters are often determined by so-called "implied terms". These may be divided into terms implied in fact and terms implied in law. Only terms implied in fact are truly based on the intention of the parties. Terms implied in law are duties prima facie imposed by law: and with respect to them, the intention of the parties is relevant only insofar as it may be open to the parties to exclude the implied terms by express contrary agreement.

شرط دوم آن است حتی وقتی توافق، وجود یک قرارداد را معین می سازد، لزوماً همه محتوی و قلمرو قرارداد را مشخص نمی کند. این موضوعات اغلب بوسیله شروطی که در اصطلاح «شروط تلویحی» نامیده می شود تعیین می گردند. شروط مذکور ممکن است به شروط تلویحی واقعی و شروط تلویحی قانونی تقسیم شوند.<sup>۳</sup> این فقط شروط تلویحی واقعی اند که برآستی مبتنی بر قصد طرفین می باشند. شروط تلویحی قانونی، تکالیفی هستند که ابتدائاً بوسیله قانون تحمیل می شوند و قصد طرفین در خصوص شروط مذکور این شایستگی را دارد که، جائیکه برای طرفین آزاد باشد، بوسیله توافق صریح مخالف، آنها را کنار بگذارد.

### Determine مشخص کردن - تعیین کردن

#### implied terms شروط تلویحی

1- induce

2- seriously prejudiced

3- divide

**terms implied in fact شروط تلویحی واقعی****terms implied in law شروط تلویحی قانونی**

Thirdly, there is a group of cases which is commonly discussed under the general heading of contract, in which the obligation does not truly arise out of an agreement by two parties, but rather out of a promise made by one of them. This would be the position where a person made a gratuitous promise in such a form that it was legally binding: for example, in a deed under seal. In such a case, the promisee would at most "agree" by accepting the gift or the promise to make it. But even this is not necessary: a promise of this kind can bind even before it is communicated to the promisee.

ثالثاً، مواردی وجود دارد که عموماً تحت عنوان کلی قرارداد مورد بحث واقع می شوند ولی تعهد، در آنها، واقعاً ناشی از توافق دو طرف نیست بلکه ناشی از قولی است که بوسیله یکی از آن ها داده شده است. وقتی شخصی تعهدی مجانی در شکلی بدهد که به طور قانونی لازم الاجرا باشد وضعیت بدین گونه خواهد بود؛ برای مثال در سند رسمی. در چنین موردی، متعهدله اغلب از طریق قبول هبه یا تعهد به اجرای آن، موافقت خواهد کرد. اما همین هم لازم نیست: تعهدی از این نوع، حتی قبل از اینکه به متعهدله ابلاغ شود می تواند لازم الاجرا باشد.

**obligation تعهد****gratuitous promise تعهدی مجانی****gift هبه****Promise متعهدله****Qualify مشروط**

Fourthly, the idea that contract depends on agreement must be qualified in cases in which one party is in a very much stronger bargaining position than the other, so that the former can in a sense impose his terms on the latter. The growing use of standard form contracts under which a party is often bound by many terms of which he is not in fact aware, is a particularly common illustration of this situation. In such cases the weaker party may agree reluctantly, or he may take his chance of whatever terms are contained in the standard form, or he may not in truth have "agreed" at all.

رابعاً، این عقیده که قرارداد بستگی به توافق دارد باید مشروط به مواردی گردد که در آن، یکطرف نسبت به دیگری از موقعیت قراردادی بسیار قویتری برخوردار است به نحوی که در یک مفهوم، یکطرف می تواند شرایط خوبی را به طرف دیگر تحمیل کند. استفاده فزاینده از شکل استاندارد قراردادهایی که اغلب بر اساس آن ها یک طرف ملزم به کثیری از شروط می شود که در واقع اطلاعی از آن ها ندارد، مثال<sup>۱</sup> معمول ویژه ای از این وضعیت است. در چنین مواردی طرف ضعیف تر ممکن است بطور اکراه آمیزی<sup>۲</sup> موافقت نماید یا اینکه شانس خود را در خصوص شروط موجود در قرارداد استاندارد به بوته آزمایش بگذارد و یا اینکه ممکن است بطور کلی «موافقت» نکرده باشد.

Generally, the process by which the parties to a contract reach agreement can be analysed into the acceptance by one party of an offer made by another. Thus, in the simplest case, A may offer to sell B 50 tons of coal for £500. When B says "I accept" (or uses words to that effect) a contract is concluded.

بطور کلی، فرایندی که بوسیله ی آن طرفین قرارداد به توافق دست یابند می تواند به صورت قبول ایجاب طرف مقابل تحلیل گردد. پس در ساده ترین شکل، ممکن است الف به ب، فروش ۵ تن زغال سنگ به مبلغ ۵۰۰ پوند را ایجاب نماید. وقتی که ب می گوید «پذیرفتم» (یا از لغتی با همین اثر استفاده می نماید) یک قرارداد منعقد می شود.

In practice, the course of contractual negotiations is often very much more complex than

1- illustration

2- reluctantly

this. When panics begin to negotiate there may be considerable differences between them as to price, quantity, quality, delivery dates, terms of credit and so forth. Gradually, by a series of concessions, they move closer towards agreement, and it is often very difficult to say just when an offer has been accepted. For the purpose of answering this question the law distinguishes between various steps or stages in negotiations.

در عمل، جریان مذاکرات قراردادی اغلب بسیار پیچیده تر<sup>۱</sup> از این است. هنگامی که طرفین شروع به مذاکره می‌کنند. ممکن است اختلافات قابل توجهی در خصوص ثمن، کمیت، کیفیت، تاریخ تحویل و شرایط اعتبار و مانند اینها وجود داشته باشد. آنها بتدریج از طریق امتیازاتی {که داده شده} به توافق نزدیکتر می‌شوند و اغلب گفتن اینکه یک ایجاب دقیقاً چه زمانی مورد قبول واقع می‌شود بسیار مشکل است. برای پاسخ به این مسأله، حقوق بین طبقات یا مراحل مختلف مذاکرات تمایز قائل می‌شود.

reluctantly **اکراه آمیزی**

negotiation **شروع به مذاکره**

term of credit **شرایط اعتبار**

### Elements of Contract Formation.

#### عناصر تشکیل قرارداد

To form a legally binding contract, six basic elements of contract formation must be **satisfied**.

The parties to the contract must have **capacity** to contract; both parties must state the **mutual assent** to be bound to the contract terms; both parties must give **consideration**; the contract must have a **lawful purpose**; the terms of the contract must be reasonably certain and clear; and the contract must be in a form permitted by law.

برای تشکیل قرارداد قانونی لازم، در شش عنصر اصلی تشکیل قرارداد، باید رضایت وجود داشته باشند. طرفین قرارداد باید اهلیت قرارداد داشته باشند؛ هر دو طرف باید موافقت متقابل نسبت به شرایط قرارداد داشته باشند؛ هر دو طرف باید عوض قرارداد را به دست آورند؛ قرارداد باید هدف قانونی داشته باشد؛ شرایط قرارداد باید منطقی و مشخص باشد و قرارداد باید در قالب قانونی مجاز باشد.

Satisfied **رضایت**

Capacity **اهلیت**

mutual assent **موافقت متقابل**

consideration **عوض قرارداد**

lawful purpose **اهداف قانونی**

و

و

و

و

و

و

و

## لغات حقوق خصوصی

Abandon اعراض کردن

Ability شایستگی

Abod اقامتگاه

Abolish فسخ کردن

Abrogate نسخ کردن

Absence of consideration بلاعوض

Absolute liability مسئولیت مطلق

Absolve بری الذمه کردن

Abuse سوء استفاده کردن

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

## بخش دوم

## متون حقوق عمومی

## Parliament and Legislative Power

### پارلمان و قوه مقننه

#### PARLIAMENTARY SUPREMACY

#### برتری پارلمان

One striking consequence of the absence of a codified **constitution** in the United Kingdom is that the **legislative powers** of Parliament have never been set out in any definitive form.

یکی از عواقب درخور توجه فقدان یک **قانون اساسی** مدون در پادشاهی بریتانیا، این است که اختیارات قانونگذاری مجلس هیچگاه در یک قالب مشخص و قطعی عرضه نگردیده است.

The Bill of Rights 1689, still the most important statute on the powers of Parliament, was primarily concerned to protect its rights against interference by the Monarch;

«قانون تضمین حقوق» مصوب ۱۶۸۹ که هنوز مهمترین قانون موضوعه در خصوص اختیارات پارلمان است، در درجه اول برای حمایت از حقوق پارلمان در برابر دخالت پادشاه ایجاد شد.

#### PARLIAMENTARY SUPREMACY برتری پارلمان

#### قانون اساسی Constitution

#### legislative powers اختیارات قانونگذاری

among other things, it declared that it was illegal for the Crown to levy **taxes** without Parliamentary consent and to suspend the application of Parliamentary enactments.

این قانون در کنار سایر موضوعات به این نکته هم اشاره می کرد که وضع کردن **مالیات** بدون موافقت پارلمان، و به حالت تعلیق در آوردن اجرای قوانین مجلس از جانب مقام سلطنت عملی غیر قانونی است.

Other significant legislation, the Parliament Acts 1911-49, removed the requirement that the **House of Lords** consent to legislation.

یک قانون مهم دیگر یعنی «قوانین پارلمانی مصوب ۴۹-۱۹۱۱»، شرط موافقت **مجلس اعیان** در مورد وضع قانون را حذف کرد.

But these statutes assume that Parliament is entitled to enact legislation, that is, **rules of general application**. They do not establish its right to legislate.

ولی این قوانین موضوعه چنین فرض می کنند که پارلمان حق دارد قانون، یعنی **مقرراتی با کاربرد عمومی**، وضع کند اما حق قانونگذاری آن را تثبیت نمی کنند.

In contrast, codified constitutional texts spell out the powers of the legislature quite explicitly, as well as its composition and methods for its election.

در مقابل، متون مدون قانون اساسی، اختیارات قوه مقننه و نیز ساختار و روشهای انتخاب آن را تبیین می کنند.

For instance, Article 1, Section 1 of the US Constitution states clearly that '(a)11 Legislative Powers hereingranted shall be vested in a Congress of the United States, which shall consist of a Senate and House of Representatives'.

به عنوان مثال، بند ۱ از اصل ۱، قانون اساسی ایالات متحده به روشنی بیان می دارد که: «تمامی اختیارات قانونگذاری که در اینجا تفویض می شود باید به کنگره ایالات متحده واگذار شود، که می بایست متشکل از یک مجلس سنا و یک مجلس نمایندگان باشد».

Other Sections of the Article prescribe the composition of the Senate and House and the procedure for enacting legislation,

سایر بندهای این اصل، ساختار سنا و مجلس و روش قانونگذاری را مقرر داشته

as well as enumerating a number of specific legislative and other powers, such as the power to 'lay and collect Taxes' and the power to regulate inter-state commerce.

همچنین به ذکر تعدادی از اختیارات قانونگذاری و سایر اختیارات نظیر قدرت «وضع و جمع آوری مالیات» و قدرت اداره تجارت داخلی می پردازد.



Similarly, Article 34 of the Constitution of the Fifth French Republic spells out the legislative powers of Parliament,

و  
و  
و  
و  
و

## لغات حقوق عمومی

- Abrogate نسخ کردن
- Absoulute liability مسئولیت مطلق
- Abuse of power سوء استفاده از اختیار (توسط مقام اداری)
- Account گزارش (اداری)
- Accountability پاسخگویی
- Act of a governmental عمل حاکمیتی
- Act of parliament قانون مصوب مجلس
- Acta jure empirii اعمال حاکمیتی
- Acta jure gestionis اعمال تصدیگری
- Anti discrimination عدم تبعیض
- Applicable قابل اجرا

و  
و  
و  
و  
و

بخش سوم

متون حقوق جزا

## Criminal law

### حقوق جزا

**Criminal law** is a **branch** of law that **defines crimes** and fixes **punishments** for them. Crimes are **wrongs** about which the **State** is gravely concerned. Special terms are used in this area of the law such as **crime, punishment, accused, and conviction**

حقوق جزا شاخه ای از حقوق است که به تعریف جرایم و تبیین مجازات برای آن می پردازد. جرایم اقدامات نادرستی هستند که دولت به آن ها توجه بسیار دارد. اصطلاحات خاصی در این شاخه از حقوق به کار می رود که از جمله آن ها می توان به جرم، مجازات، متهم و محکومیت اشاره کرد.

#### Criminal law: حقوق جزا

Branch: شاخه

Defines: تعریف

Crim: جرم

Punishment: مجازات

Wrongs: اقدامات

Accused: متهم

Conviction: محکومیت

Criminal law also includes **rules** and **procedures for preventing and investigating crimes** and **prosecuting criminals**, as well as the **regulations governing the constitution of courts**, the **conduct of trials**, the organization of police forces, and the **administration of penal institutions**.

حقوق جزا همچنین شامل قوانین و آیین های شکلی برای پیشگیری و تحت تعقیب قرار دادن جرایم و بازجویی از مجرمین و همچنین قوانین حاکم بر تشکیل دادگاه ها، رفتار محاکم، ساختار و الزامات پلیس و اداره نهادهای جنایی است.

Rules: قوانین

Procedures: آیین های شکلی

Preventing: پیشگیری

Investigating: تحت تعقیب قرار دادن

prosecuting criminals: بازجویی از مجرمین

Regulations: قوانین حاکم

constitution of courts: تشکیل دادگاه ها

administration: اداره

penal institutions: نهادهای جنایی

organization of police forces: ساختار و الزامات پلیس

The purposes of the criminal law are several. The first is to impose deserved punishment in retaliation of the crime committed. This purpose explains why there are varying punishments for crimes, depending on the gravity of the crime. The second is prevention, by **threatening** punishment on commission of some kind of conduct. The third is to provide the punishment for those who have not been deterred and who commit crimes, so as to frighten them especially so that they will not engage in further criminal conduct, and also to reinforce the threat of punishment at large. The last aim is the **education** of the community continually in proper standards of conduct which have to be observed if a decent life is to be possible for all of us.

حقوق جزا چندین هدف را داراست. اولین هدف به مجازات رساندن افراد مرتکب جرم در تلافی عمل انجام شده توسط آنان است. این هدف توجیه کننده وجوه مجازات های گوناگون برای جرایم، بسته به شدت عمل مجرمانه می باشد. دومین هدف، پیشگیری است که از راه تهدید به مجازات از طرق مختلف در صورت ارتکاب به عمل مجرمانه به دست می آید. سومین هدف، به مجازات رساندن افرادی است که با وجود تهدید فوق، از ارتکاب عمل مجرمانه منصرف نشده و به عمل مجرمانه دست زده اند و بنابراین با به مجازات رساندن آن ها، این هدف دنبال می شود که این دسته دیگر مرتکب عمل مجرمانه نشده و نیز در اثر اجرای آن، تهدید به مجازات به طور کلی در ذهن جامعه پر رنگ تر می گردد. آخرین هدف از مجازات، دادن آموزش مستمر به جامعه در مورد استانداردهای مناسب رفتاری است که چنانچه خواهان زندگی آبرومندانه ای برای همه باشیم، رعایت آن استانداردها ضروری محسوب می گردد.

There are a large number of **safeguards designed** to secure fair treatment of a person accused of a crime. They will **facilitate** his **acquittal**, unless the facts proved against him, by **evidence** establish his guilt beyond all reasonable **doubt**. It is a principle that every person is **deemed innocent** until he is proved to be **guilty**. It is preferred that ten guilty persons be **acquitted** as a result of this assumption than one innocent person been convicted. The effect of the system is to deprive the police of power to charge any person with the commission of a crime. If a **defendant** wants to talk, he is permitted to do so, but nothing in the way of a confession may be used in any proceedings subsequently brought against him, unless it can first be proved that he was warned, in clear terms, and before making the confession that it might subsequently be used in evidence.

ترتیبات امنیتی زیادی برای تضمین کردن رسیدگی قانونی به وضعیت متهم وجود دارد. این راه ها تبرئه را تسریع می کنند مگر این که حقایقی با مدارک و شواهدی که جرم او را فراتر از حدس و گمان مشخص می کنند ثابت شود. این یک اصل است که تا زمانی که گناه کسی اثبات نشده باشد او بی گناه در نظر گرفته می شود. بیشتر ترجیح داده می شود که ده فرد مقصر و گناهکار تبرئه شوند تا این که یک شخص بی گناه محکوم گردد. اثر این سیستم این گونه است که پلیس را فاقد اختیار و صلاحیت می کند. از این که هرکسی را خواست به ارتکاب جنایت متهم نماید. اگر متهم بخواهد صحبت کند به او این حق داده می شود. اما هیچ چیز در خلال اعتراف او نمی تواند بعداً علیه او استفاده شود، مگر این که ابتدا اثبات شود که به صورت روشن و شفاف قبل از اعتراف به او اخطار داده شده است که این اعترافات ممکن است از جمله مدارک و شواهد دادگاه به حساب بیایند.

**threatening: تهدید:**

**safeguards: حفاظت – امنیت:**

**designed: رسیدگی:**

**facilitate: تسهیل کردن:**

**acquittal: تبرئه:**

**Evidence: شواهد:**

**Doubt: شک:**

**Deemed: فرض کردن:**

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

## (عناصر تشکیل دهنده جرم)

### عنصر مادی

(actus reus)

#### Act and Omission

#### فعل و ترک فعل

**Rule number 1:** The definition of some offences is restricted to liability for acts. In such cases, an omission is insufficient unless it can be construed as an act.

قاعده شماره ۱: تعریف بعضی جرائم به مسئولیت نسبت به افعال محدود می شود. در این گونه موارد، ترک فعل کفایت نمی کند مگر اینکه بتوان آن را به عنوان یک فعل تفسیر کرد.

**Rule number 2:** Where an actus reus can be committed by omission, a defendant who fails to act is only liable if under a duty to act.

قاعده شماره ۲: هنگامی که عنصر مادی از طریق ترک فعل ارتکاب یابد، مشتکی عنهی که فعل را انجام ندهد، تنها در صورتی مسئول خواهد بود که ملکف به انجام فعل مزبور باشد.

**Rule number 3:** A duty to act may arise through contract. و

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

## لغات مهم حقوق جزا

Abduction آدم ربایی

Abnormality of mind عدم تعادل روانی

Abortion سقط جنین

Absolve معاف کردن

Abstain امتناع کردن

Abuse سوء استفاده کردن

Accomplice شریک یا معاون جرم

Accused متهم

Acquit تبرئه کردن

Acquittal تبرئه، حکم برائت

Act قانون

Action اقدام، دعوی

و  
و  
و  
و  
و  
و

**بخش چهارم**

**متون حقوق بین الملل**



## حقوق معاهدات

The definition of **treaty** as an **agreement** between subjects of international law is not in itself sufficient. There may be agreements between states which do not constitute international treaties.

M. David gives the example of a purchase by the United Kingdom Government of thousand tons of chilled beef from the government of the Argentine upon the basis of a standard form of contract used in the meat trade.

تعریف معاهده به عنوان توافقی فیما بین تابعین حقوق بین‌الملل، فی نفسه کافی نیست؛ (زیرا) ممکن است توافقاتی بین دول موجود باشد که معاهدات بین‌المللی محسوب نمی‌گردند.

آقای داوید نمونه این مورد را خرید یک هزار تن گوشت منجمد توسط دولت پادشاهی متحده انگلستان از جمهوری آرژانتین ذکر می‌کند که مبتنی بر یک قرارداد استاندارد مورد استفاده در تجارت گوشت می‌باشد.

### Treaty معاهده

#### Agreement توافق

Another example of an interstate contract and not a treaty could be the purchase of a building or a piece of land for a legation. When this transaction is subject to the municipal law of one of the parties or to that of a **third state**.

مثال دیگری از یک قرارداد بین‌الدولی که معاهده محسوب نمی‌شود؛ می‌تواند خرید ساختمان یا قطعه زمین برای سفارتخانه باشد؛ مشروط بر اینکه این معامله تابع قوانین داخلی یکی از طرفین یا دولت ثالث باشد.

### Legation سفارتخانه

#### third state دولت ثالث

When is an agreement governed by international law? Is this a matter of choice or of **intention** of the parties? In principle the intention of parties, express or implied, would appear to be controlling. However, there are cases in which the nature and object of the agreement make it impossible to subject in to any system of **municipal law**; such an agreement must **be governed** by international law.

Whatever the intention of parties. A case in point is the cession of a small piece of land by France to Switzerland to permit the enlargement of Geneva airport.

Despite the comparatively trivial importance of this agreement, it had to be embodied in a treaty since it involved the transfer of **sovereignty** over state territory.

اما چه هنگام، توافق تابع حقوق بین‌الملل می‌گردد؟ آیا این امر موضوعی است؛ اختیاری، یا وابسته به قصد طرفین؟ علی‌الاصول قصد صریح یا ضمنی طرفین به نظر، غالب و تعیین‌کننده است ولی مواردی وجود دارد که در آنها ماهیت و هدف قرارداد، تابعیت آن را از هر گونه نظام حقوقی داخلی غیر ممکن می‌سازد. چنین قراردادی باید تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار گیرد و قصد طرفین موثر در مقام نیست. شاهد مثال عبارت است از واگذاری یک قطعه زمین کوچک توسط فرانسه به سوئیس به منظور امکان توسعه فرودگاه ژنو. این قرارداد به رغم اهمیت بالنسبه اندک آن، می‌بایست در قالب یک معاهده منعقد می‌شد. چه آنکه متضمن انتقال حق حاکمیت دولت بر سرزمین بود.

### Intention قصد

#### municipal law نظام حقوقی

#### be governed تحت حکومت

#### sovereignty حق حاکمیت

The **deliberation** at the Vienna conference reveals that the phrase "governed by international law" is designed to cover other meanings and implications as well.

It was suggested at the conference that it was necessary to add to the definition the requirement that to be a treaty the agreement “ must produce **legal effects**” or must “create rights and obligations”

These suggestion were designed to exclude from the concept of treaties the declaration of principle, **communiques, political instruments of gentlemen’s agreements** which represent a concurrence of wills but without producing legal effects

مذاکرات کنفرانس وین نمایانگر این است که عبارت «تابع حقوق بین‌الملل» به منظور شمول بر معانی و مفاهیم دیگری نیز تعبیه گردیده بود. در این کنفرانس پیشنهاد شد؛ برای آنکه قراردادی، معاهده محسوب گردد لازم است این شرط که «باید ایجاد آثار حقوقی نماید» و یا باید «موجد حقوق و تکالیفی باشد» به تعریف (معاهده) اضافه گردد.

این پیشنهادات به منظور خارج ساختن اعلامیه‌های اصولی، اعلامیه‌های رسمی، اسناد سیاسی یا توافقات نزاکتی که مبین توافق اراده هاست ولی واجد آثار حقوقی نمی باشد؛ از مفهوم «معاهدات» به عمل آمده بود.

**Deliberation مذاکرات**

**legal effects آثار حقوقی**

**mmuniques اعلامیه رسمی**

**political instruments: اسناد رسمی:**

**gentlemen’s agreements: توافقات نزاکتی:**

و

و

و

و

و

و

و

و

**بخش پنجم****متون حقوقی تجارت بین الملل**

## TUE INTERNATIONAL SALE TRANSACTION

### معامله بیع بین المللی

#### 1. INTRODUCTON

۱- مقدمه

This section is intended to provide an introduction to the study of the main areas of the law relating to the international sale transaction, a study which is increasingly finding recognition as a subject in its own right.

is intended	مقصود است، قصد بر این است
provide	فراهم کردن، فراهم آوردن
Introduction	مقدمه
main areas	حوزه های اصلی
increasingly	به طور فزاینده، به طور روز افزون
recognition	شناسایی
as a subject	به عنوان یک موضوع
in its own rights	در چارچوب خودش، به طور مستقل

مقصود از این بخش ارائه مقدمه‌ای برای مطالعه حوزه‌های اصلی حقوق مربوط به معامله بیع بین المللی است، مطالعه ای که به طور فزاینده‌ای به عنوان یک موضوع در چارچوب خودش مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

The arrangement of the section calls for some explanation.

نظم و ترتیب این فصل مستلزم توضیحاتی است.

The sale contracts have been dealt with after the mode of carriage of goods on which they are based.

sale contracts	قراردادهای بیع
have been dealt with	مورد بحث واقع شده‌اند
mode of carriage of goods	شیوه حمل و نقل کالاها
on which	که بر آن مبتنی
are based	می‌باشند

و

و

و

و

و

و

و

و

و

**بخش ششم**

**مجموعه آزمون‌های کارشناسی ارشد حقوق**

## آزمون کارشناسی ارشد حقوق (سال ۱۳۹۶)

### Passage 1:

Armed attack or armed aggression in the maritime domain may involve conventional sea mines, missiles, and traditional military aviation as well as submarine platforms. During a period that extended from the first Hague conference in 1899, through two world wars, and continuing until the end of the Cold War, the predominant influence of law on sea power were naval arms control regimes. Arms control sought to limit the risk or effects of naval warfare. Naval arms control refined the laws of naval warfare and prescribed conduct at sea by erecting "firewalls" that separated opposing fleets or by creating limitations on the means of naval warfare, such as the use of sea mines, or restrictions on the methods of naval warfare, such as the proscription against unrestricted submarine warfare. These rules were designed to maintain the peace or prevent the expansion of war at sea by controlling the types and numbers of warships, the types of permissible weapons, and how those weapons may be employed.

During the period between the two world wars, the Washington Treaty of 1922 fixed battleship ratios for all of the major maritime powers. While the agreement actually did slow the construction of capital warships, it also had the perverse effect of creating conditions and incentives to redirect naval ambitions into other systems, such as submarines, that were not explicitly controlled. The last major fleet engagement ended with the Battle of Leyte Gulf in October 23-26, 1944. The final naval battle of the war, the Battle of Okinawa in the spring of 1945, was the largest amphibious assault of the Pacific theater.

حمله مسلحانه یا تجاوز مسلحانه به قلمرو و حوزه دریایی می تواند شامل [حمله از طریق] مین های دریایی غیراتمی، موشک ها، و هوانوردی نظامی سنتی و همچنین سکوها های زیردریایی باشد. در خلال دوره ای که از کنفرانس اول لاهه در سال ۱۸۹۹ تا دو جنگ جهانی طول کشید و تا اواخر جنگ سرد ادامه یافت، تأثیر برجسته حقوق بر روی قدرت دریایی [از طریق] رژیم های کنترل تسلیحات دریایی بود. کنترل تسلیحاتی در صدد محدود کردن خطر، یا اثرات جنگ دریایی بود. کنترل تسلیحات دریایی، قوانین جنگ دریایی را بهبود بخشید و بهتر کرد و رفتار در دریا را با احداث و ساخت "دیوارهای سد آتش [=آتش دیوارها]" که ناوگان های طرف مخالف یا دشمن را از هم جدا می کرد و با ایجاد محدودیت هایی بر ابزار و وسایل جنگ دریایی مثل استفاده از مین های دریایی، با محدودیت هایی بر روش های جنگ دریایی مثل ممنوعیت علیه جنگ نامحدود زیردریایی تعیین کرد. این قواعد و مقررات برای حفظ صلح یا جلوگیری از گسترش جنگ در دریا از طریق کنترل انواع و تعداد کشتی ها، انواع سلاح های مجاز و اینکه چگونه آن سلاح ها می توانند به کار گرفته شوند طراحی شدند. در خلال دوره بین دو جنگ جهانی، معاهده سال ۱۹۲۲ واشنگتن ضرایب و نسبت های کشتی جنگی را برای همه قدرت های بزرگ دریایی مشخص و تعیین نمود. هر چند این موافقتنامه واقعاً ساخت کشتی های جنگی بزرگ را کند کرد اما آن همچنین تأثیر زیاد و بیش از حدی بر ایجاد شرایط و انگیزه ها جهت هدایت جاه طلبی های دریایی به سمت دستگاه های دیگری مثل زیردریایی ها که بطور صریح کنترل نمی شدند داشت. آخرین جنگ بزرگ ناو در نبرد خلیج لیته در ۲۶ - ۲۳ اکتبر ۱۹۴۴ به پایان رسید. آخرین نبرد جنگی دریایی، یعنی نبرد اوکی ناوا در بهار ۱۹۴۵، بزرگترین حمله جاه طلبانه به صحنه و عرصه اقیانوس آرام بود.

1- Which of the following would be the best title for passage?

- |                                     |                               |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| 1) Arms Control during the Cold War | 2) The First Hague Conference |
| 3) Armed Aggression at Sea          | 4) Law and Sea Power          |

ج ۱- گزینه ۴ صحیح است.

ترجمه: کدامیک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن خواهد بود؟

(۱) کنترل تسلیحاتی در خلال جنگ سرد

(۲) کنفرانس اول لاهه

(۳) تجاوز مسلحانه در دریا

(۴) حقوق و قدرت دریایی

2-According to the passage, armed attack in the maritime domain is likely to involve using all of the following EXCEPT .....

- |              |                        |
|--------------|------------------------|
| 1) missiles  | 2) surface combats     |
| 3) sea mines | 4) submarine platforms |

ج ۲- گزینه صحیح است.

ترجمه: مطابق متن، حمله مسلحانه در قلمرو دریایی احتمالاً متضمن استفاده از کلیه موارد زیر است بجز .....

(۱) موشک ها

(۲) نبردهای زمینی، جنگ های زمینی

(۳) مین های دریایی

(۴) سکوهای زیردریایی

3-What were the main goals of designing naval arms control rules?

- 1) Limiting the growth of submarines supervising the production of missiles
- 2) Maintaining peace and prevention of further growth of war at sea
- 3) Restricting naval warfare and promoting good behavior at sea
- 4) Prescribing good manners at sea and establishing firewalls

ج ۳- گزینه ۲ صحیح است.

ترجمه: اهداف اصلی طراحی قواعد و مقررات کنترل تسلیحات دریایی چه بودند؟

(۱) محدود کردن رشد زیردریایی هایی که بر تولید موشک ها نظارت دارند

(۲) حفظ صلح و جلوگیری از رشد بیشتر جنگ در دریا

(۳) محدود کردن جنگ دریایی و تشویق به رفتار خوب در دریا

(۴) تعیین روش های خوب در دریا و ایجاد دیوارهای سد آتش

4-What does the word "proscription" in paragraph 1 mean?

- |                |                  |
|----------------|------------------|
| 1) Prosecution | 2) Provocation   |
| 3) Prohibition | 4) Proliferation |

ج ۴- گزینه ۳ صحیح است.

ترجمه: لغت "ممنوعیت" در پاراگراف ۱ به چه معنا می باشد؟

(۱) تعقیب

(۲) تحریک

(۳) ممنوعیت، منع

(۴) تکثیر، افزایش

5-What does the word "it" in paragraph 2 refer to?

- |                 |               |
|-----------------|---------------|
| 1) Agreement    | 2) Effect     |
| 3) Construction | 4) Battleship |

ج ۵- گزینه ۱ صحیح است.

ترجمه: لغت "it" در پاراگراف ۱ به چه چیزی اشاره می کند؟

(۱) موافقتنامه

(۲) اثر

(۳) ساخت

(۴) ناو، کشتی جنگی

6-What is the author's attitude toward the Washington Treaty?

- |               |                               |
|---------------|-------------------------------|
| 1) Sarcastic  | 2) Highly critical            |
| 3) Cautionary | 4) Both positive and negative |

ج ۶- گزینه ۴ صحیح است.

ترجمه: نظر نویسنده در مورد معاهده واشنگتن چیست؟

(۱) کنایه دار، طعنه آمیز، نیشدار

(۲) بسیار انتقادآمیز، بسیار منتقدانه

(۳) عبرت انگیز

(۴) هم مثبت و هم منفی

**لغات مهم استخراج شده از آزمون**

Armed attack	حمله مسلحانه
armed aggression	تجاوز مسلحانه
missiles	موشکها
submarine platforms	سکوهای زیردریایی
naval warfare	جنگ دریایی
peace	صلح
Treaty	معاهده
Proscription= Prohibition	ممنوعیت
battleship	کشتی جنگی (ناو)
Gulf	خلیج
The First Hague Conference	کنفرانس اول لاهه
naval arms control rules	قواعد و مقررات کنترل تسلیحات دریایی
establishing firewalls	آتش دیوارها (دیوار سدهای ضد آتش)
Prosecution	تعقیب
Provocation	تحریک
Proliferation	تکثیر، افزایش
Construction	ساخت



**Passage 2:**

The Dutch began their occupation of Java in 1596. Owing to the fact that they could not bring all or even most of the Indonesian Archipelago under their control until the second decade of the twentieth century, and partly because their interest were largely focused on commercial profit, the Dutch did not significantly interfere in native legal affairs until about the middle of the nineteenth century. As D. Lev has aptly put it, the Dutch East India Company from the outset “resolved to respect local law – another way of saying that, by and large, they could not have cared less – except where commercial interests were at stake.”

As “law and order” constituted the backbone of colonialist administration, the Dutch, after some failed efforts, finally succeeded in promulgating a penal code for native in 1873, a code whose implementation remained exclusively in their hands. Since the native district courts, as well as the Shari’a and ADAT (customary) courts, were allowed to handle only minor and non-monetary cases, all criminal cases and major offenses were tried at the next level, namely, at the Landraden courts, which also handled important civil cases pertaining to the natives. For example, all matters of waqf and the all-important area of inheritance fell within the jurisdiction of these courts. Until the 1920s, the chairmen of the latter were exclusively Dutch. But ultimate authority did not lie even in the hands of these chairmen, for appeals were heard at the High Courts (numbering six in total), whose jurisdiction was presumably confined to the Dutch colonial settlers alone.

در سال ۱۹۵۰ هلندی ها شروع به اشغال (جزیره) جاوه کردند. از آنجا که آنها نتوانستند تا دهه دوم قرن بیستم همه یا بیشترین قسمت مجمع الجزایر اندونزی را تحت کنترل خودشان درآورند و چون تا حدودی منافع شان عمدتاً بر روی منافع تجاری متمرکز بود، هلندی ها بطور قابل توجهی تا حدود اواسط قرن نوزدهم در امور حقوقی محلی دخالت نکردند. همانطوری که دی. لو بجا و بطور مناسبی آن را بیان کرد، شرکت هند شرقی هلندی از ابتدا “مصمم بود جزء در مواردی که منافع تجاری شان در معرض خطر باشد به قانون محلی احترام بگذارد – به بیان دیگر اینکه، روی هم رفته، آنها نمی توانستند مراقب نباشند”.

چون “قانون و نظم” استخوان بندی و ستون حکومت و دولت استعماری را تشکیل می داد، هلندی ها بعد از تلاش های ناموفق زیادی سرانجام در سال ۱۸۷۳ موفق به اعلان و انتشار رسمی مجموعه قوانین کیفری برای اهالی و ساکنان آنجا شدند، مجموعه قوانینی که اجرایش منحصراً در دست آنها باقی ماند. از آنجایی که دادگاه های ناحیه ای محلی و همچنین دادگاه های شریعت اسلامی و دادگاه های (عرفی) ای دی ای تی (ADAT) مجاز بودند که فقط به دعاوی کوچک و غیرمالی رسیدگی کنند، تمامی دعاوی جزایی و جرائم بزرگ در سطح بعدی یعنی در محاکم لندرادن که همچنین دعاوی مدنی مهم مربوط به اهالی را رسیدگی می کرد، بررسی می شدند. برای مثال، همه موضوعات مربوط به وقف و همه بخش های مهم ارث در صلاحیت این محاکم قرار داشت. تا دهه ۱۹۲۰، رؤسای دادگاه دومی [یعنی دادگاه لندرادن] منحصراً هلندی بودند. اما قدرت نهایی حتی در دستان این رؤسا هم قرار نداشت، زیرا به استینافات در محاکم عالی استماع و رسیدگی می شد (در مجموع تعداد شش نفر)، که صلاحیتش احتمالاً تنها محدود به ساکنین مستعمراتی [مستعمره نشینان] بود.

### 7-Why didn't the Dutch interfere in native legal affairs of Indonesia?

- 1) They were mostly interested in business issues.
- 2) They had fully occupied the Indonesian Archipelago.
- 3) They were busy establishing the Dutch East India Company.
- 4) They were not familiar with the language spoken by the native people.

ج ۷- گزینه ۱ صحیح است.

ترجمه: چرا هلندی ها در امور حقوقی داخلی اندونزی دخالت نکردند؟

- (۱) آنها عمدتاً علاقمند به مسائل تجاری بودند.
- (۲) آنها کاملاً مجمع الجزایر اندونزی را اشغال کرده بودند.
- (۳) آنها مشغول تأسیس شرکت هند شرقی هلندی بودند.
- (۴) آنها به زبانی که توسط مردم بومی صحبت می شد آشنا نبودند.

### 8-What is the function of D. Lev's quotation at the end of paragraph 1?

- 1) It exaggerates an earlier argument.
- 2) It contradicts the preceding sentence.
- 3) It supports what was mentioned earlier.
- 4) It serves as an example for a previously stated claim.

ج ۸- گزینه ۳ صحیح است.

ترجمه: نقش نقل قول دیولو در پایان پاراگراف ۱ چیست؟

- (۱) آن در مورد بحث قبلی مبالغه می نماید.
- (۲) آن متناقض با جمله قبلی است.
- (۳) آن از چیزی که قبلاً ذکر شده بود حمایت می کند.
- (۴) آن مثال مناسبی برای ادعای بیان شده قبلی [ادعایی که قبلاً بیان شده] می باشد.

### 9-What does the expression "at stake" in paragraph 1 mean?

- 1) In vain
- 2) In danger
- 3) In doubt
- 4) In silence

ج ۹- گزینه ۲ صحیح است.

ترجمه: اصطلاح "در معرض خطر" در پاراگراف ۱ به چه معنا می باشد؟

- (۱) بدون نتیجه، بدون ثمر
- (۲) در معرض خطر
- (۳) مردد، دودل
- (۴) در سکوت

### 10-What is the second paragraph mainly about?

- 1) Law and order
- 2) The High Courts in Indonesia
- 3) The backbone of colonialist administration
- 4) How colonial courts were formed in Indonesia

ج ۱۰- گزینه ۴ صحیح است.

ترجمه: پاراگراف دوم عمدتاً درباره چیست؟

- (۱) قانون و نظم
- (۲) دادگاه های عالی در اندونزی
- (۳) ستون حکومت و دولت استعماری
- (۴) چگونه دادگاه های مستعمراتی در اندونزی ایجاد شدند

### 11-What does "their" in paragraph 2 refer to?

- 1) Natives
- 2) District courts
- 3) The Dutch
- 4) Failed efforts

ج ۱۱- گزینه ۳ صحیح است.

ترجمه: در پاراگراف ۲ "آنها" به چه چیزی اشاره می کند؟

- (۱) اهالی، بومیان
- (۲) دادگاه ناحیه ای، دادگاه بخش
- (۳) هلندی ها
- (۴) تلاش های ناموفق

### 12-Where were issues related to inheritance settled?

- 1) Customary courts
- 2) Shari'a court
- 3) Native local courts
- 4) Landraden courts

ج ۱۲- گزینه ۴ صحیح است.

ترجمه: موضوعات مربوط به ارث در کجا حل و فصل می شدند؟

- (۱) محاکم عرفی
- (۲) محاکم شریعت اسلامی
- (۳) محاکم محلی داخلی یا بومی
- (۴) محاکم لندرادن

## لغات مهم استخراج شده از آزمون

began their occupation	شروع به اشغال
the Indonesian Archipelago	مجمع الجزایر اندونزی
commercial profit	منافع تجاری
legal affairs	امور حقوقی
resolved to respect	مصمم به احترام گذاشتن
local law	قانون محلی
at stake	در معرض خطر
law and order	قانون و نظم
constituted	تشکیل دادن
colonialist	استعمارگر
administration	اجرایی (دولت)
promulgating	اعلان و انتشار رسمی
penal code	مجموعه قوانین کیفری
native	اهالی بومی
implementation	اجرا (پیاده سازی)
exclusively	منحصراً (انحصاری)
native district courts	دادگاه های منطقه ای محلی
Shari courts	دادگاه های شرعی

## لغات مهم استخراج شده از آزمون

ADAT (customary) courts	دادگاه های (عرفی) ای دی ای تی (ADAT)
non-monetary cases	دعاوی غیرمالی
criminal cases and major offenses	تمامی دعاوی جزایی و جرائم بزرگ
matters of waqf	موضوعات مربوط به وقف
inheritance	ارث (وراثت)
jurisdiction	صلاحیت (صلاحیت قضایی)
chairmen	روسا (روسای دادگاه)
Authority – (ultimate authority)	قدرت - اقتدار (قدرت نهایی)
appeals	استیناف (تجدیدنظر)
heard	استماع شدن (رسیدگی کردن)
High Courts	محاکم عالی
confined	محدود بودن
colonial settlers	ساکنان مستعمراتی
exaggerates	مبالغه
contradicts	متناقض
In doubt	مردد، دودل
In vain	بدون نتیجه، بدون ثمر
Customary courts	محاکم عرفی

